

جهانی شدن و آثار آن بر مهاجرت نیروی کار

عبدالمجید سیفی^۱ / مریم خالقی نژاد^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی (ره) - seifi2002@gmail.com

^۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران

khaleghinezhad.m@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۷/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۰

چکیده

مهاجرت به عنوان یک واقعه مکان محور جمعیتی و متنوع، امری غیرقابل انکار است. با این حال، بسیاری از پژوهشگران این حوزه بر این باور هستند که مهاجرت نیروی کار مهم ترین و چالش برانگیزترین نوع مهاجرت را شکل می دهد. با ایجاد تحولات جدید در سایه جهانی شدن جای تردیدی وجود ندارد که جهانی شدن به عنوان میراثی از تمدن بشری در دوره های جدید، باعث همپیوندی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در تمام جوامع شده است و اثراتی دوگانه بر مهاجرت نیروی کار داشته است. لذا سؤالی اساسی که مطرح می شود این است که جهانی شدن اقتصاد چه تأثیری بر مهاجرت نیروی کار داشته است؟ در پاسخ به سؤال اصلی فرضیه پژوهش بر این مبنا قرار دارد که تغییر در مناطق مقصد و مبدأ مهاجرت، تغییر در تقاضای نیروی کار و ایجاد گرایش های متناقض در تقاضای نیروی کار از مهم ترین تأثیرات جهانی شدن اقتصاد بر مهاجرت نیروی کار است. پررنگ بودن نقش تحولات اقتصادی در مهاجرت نیروی کار ماهر و غیر ماهر از یک سو و به چالش کشیدن تغییر در مبدأ و مقصد مهاجرت و تغییر در تقاضا برای نیروی کار ماهر و نیمه ماهر از مهم ترین مسائلی است که باید در این چارچوب مورد توجه قرار گیرد. با توجه به تمرکز بسیاری از مکاتب و اندیشمندان به این روند، پژوهش حاضر سعی دارد با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر مهاجرت نیروی کار بپردازد.

▪ واژگان کلیدی:

جهانی شدن، مهاجرت، نیروی کار، اقتصاد، کشورهای توسعه یافته

مقدمه

جهانی‌شدن پیوستگی دولت - ملت‌ها، سرعت جریان کالا، خدمات، ایده‌ها و مردم را در سراسر مرزهای ملی افزایش داده است. مهاجرت بین‌المللی قبل از عصر جهانی‌شدن وجود داشته است، اما دامنه سرعت، پیچیدگی و حجم مهاجرت تحت تأثیر بی‌سابقه جهانی‌شدن قرار گرفته است. در سال ۱۹۸۰، جمعیت مهاجر جهان کمتر از ۱۰۰ میلیون نفر یا ۲/۲ درصد از جمعیت جهان بود. این درحالیست که سال ۲۰۰۵ جمعیت مهاجر به ۱۹۰ میلیون مهاجر افزایش یافت که مهاجران واقع در مناطق توسعه‌یافته اروپا و آمریکای شمالی ۵۷ درصد از جمعیت مهاجر جهان را داشته‌اند. (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۶) مهاجرت و جابه‌جایی مکانی انسان‌ها به عنوان موضوعی در رشته‌های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی توجه پژوهشگران را به خود معطوف داشته است. پویایی رابطه انسان‌ها با مکان در قلب پدیده مهاجرت قرار دارد. گستردگی مهاجرت در دنیای امروز همه جوامع بشری را به نحوی با چالش‌های مهاجرت مواجه کرده است (سجادپور، ۱۳۸۴: ۶۴). از مهم‌ترین این چالش‌ها بحث توسعه می‌باشد که از مهم‌ترین عوامل توسعه کشورها سرمایه انسانی می‌باشد بر همین اساس است که توسعه اقتصادی و پیشرفت فناوری هم تا حد زیادی تحت تأثیر سرمایه انسانی قرار دارد. لذا کشورها برای نیل به توسعه بیشتر نیازمند توجه ویژه‌ای به امر مهم مهاجرت هستند. توسعه بدون تمرکز بر منابع و سرمایه انسانی امکان‌پذیر نمی‌شود. یکی از مهم‌ترین موارد اقتصاد کشورها، مهاجرت بین‌المللی افراد (ماهر و غیرماهر) است (اکبریان و رخشان، ۱۳۹۴: ۱). در حال حاضر تحلیل توسعه انسانی و شکل‌دهی به الگوهای سکونت به طور گسترده‌ای در حال شناسایی و تحلیل محققان مختلف در سطح جهان است. (UN, 2009) مهاجرت به عنوان یک فرایند پویایی است که هم خود بر ساخته از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و هم زمینه‌ساز تغییر شرایط است. مهاجران بخشی از بافت‌های جمعیتی را تشکیل می‌دهند که امروزه شاهد تحت تأثیر قرار گرفتن این جمعیت از پدیده جهانی‌شدن هستیم. جهانی‌سازی منجر به تغییر در تمام عرصه‌های زندگی و تغییر در آمار و ماهیت جمعیت‌های مختلف گردیده است که

جمعیت مهاجر از آن مستثنی نمی‌باشد. امروزه تغییر در مهاجران نیروی کار قابل درک است. همین تغییرات حاصله در مهاجرت‌های نیروی کار منجر به تغییر برخی سیاست‌ها از سوی کشورهای مبدأ و مقصد شده است. آشکار است که طی دهه‌های مختلف جهت کشورهای مهاجرپذیر بیشتر به سمت کشورهای اروپایی توسعه یافته می‌باشد.

از همین رو این مقاله در پی بررسی رابطه جهانی شدن با مهاجرت می‌باشد و درصد پاسخگویی به این سؤال است که جهانی شدن چه تأثیری در مهاجرت نیروی کار داشته است؟ فرضیه این پژوهش آن است که تغییر در مناطق مقصد و مبدأ مهاجرت، تغییر در تقاضای نیروی کار و ایجاد گرایش‌های متناقض در تقاضای نیروی کار از مهم‌ترین تأثیرات جهانی شدن بر مهاجرت نیروی کار است. در تلاش برای پاسخگویی به این سؤال در این مقاله بعد از بیان مقدمه به چارچوب تحلیلی جهانی شدن و ابعاد آن و پس از تحلیل فرآیندهای مهاجرت نیروی کار، به بررسی تأثیر جهانی شدن بر مهاجرت نیروی کار پرداخته است و سرانجام فرجامی از کار ارائه می‌شود که روش گردآوری منابع و داده‌ها با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی به صورت توصیفی، تحلیلی می‌باشد. در خصوص ادبیات و پیشینه پژوهش نیز به پیوست برخی از نزدیک‌ترین آثار به نوشتار حاضر بیان می‌گردد.

در مقاله «مهاجرت جهانی در عصر جهانی شدن: چالش‌ها و دلایل سیاسی» که توسط «پیترز لی» در سال (۲۰۰۸) به رشته تحریر در آمده است نویسنده ابعاد بسیار مهمی از جهانی شدن، مهاجرت، تقاضا برای نیروی کار را بیان می‌دارد. در کل، نگاهی سیاسی و به مراتب مسائل سیاسی مد نظر قرار دارد در حالی که در جستار پیش رو یکی از مهم‌ترین ابعاد جهانی شدن یعنی اقتصاد را در ایجاد تحول در مهاجرت نیروی کار بررسی می‌کند.

«کریترز، ام» در سال (۲۰۰۷) در نوشتار خود تحت عنوان «مهاجرت بین‌المللی» به بررسی بُعد بین‌المللی مهاجرت می‌پردازد که ضمن ارائه توضیحاتی در خصوص مهاجرت و انواع و اقسام آن بیشتر زمینه‌ها، شرایط و پیامدهای بین‌المللی مهاجرت را مد نظر دارد؛ در حالی که در نوشتار حاضر به چالش کشیدن مهاجرت نیروی کار توسط جهانی شدن اقتصاد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مقاله‌ای که توسط پویا علاء‌الدینی و یحیی امامی (۱۳۸۴) با عنوان «جهانی شدن، مهاجرت و فقر در ایران» به نگارش درآمده است، نویسندگان به بررسی ۳ مورد مهم جهانی

شدن، فقر و مهاجرت پرداخته‌اند و اطلاعات بسیار خوبی را در خصوص یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر مهاجرت در ایران بیان نموده‌اند. این درحالی است که در نوشتار حاضر علاوه بر اینکه جهانی شدن و تأثیرات آن بررسی می‌شود این مهم را به صورت تفصیلی بعد از جهانی شدن اقتصاد و تأثیر آن بر مهاجرت نیروی کار بیان می‌دارد و عدم تمرکز بر کشوری خاص را مد نظر دارد.

در آثار مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص مهاجرت نیروی کار و یا جهانی شدن داشته‌اند که کمتر آثاری به چشم می‌خورد که چشم‌اندازی متفاوت به جهانی شدن از منظر اقتصاد و تأثیر تحولات آن در کشورهای مبدأ و مقصد را در مهاجرت نیروی کار مورد بررسی قرار داده باشند. مقالات و آثار موجود تمرکز خود را عمدتاً بر تأثیر جهانی شدن بر پدیده مهاجرت قرار داده‌اند و این درحالی است که مهاجرت نیروی کار مقوله‌ای دارای ابعاد پیچیده‌تر است. لذا نوآوری مقاله حاضر تمرکز ویژه بر تأثیرات جهانی شدن بر ابعاد مهاجرت نیروی کار است که دارای تأثیرات قابل توجه بر کشورهای مهاجرپذیر و مهاجر فرست است.

۱- چهارچوب تحلیلی: مفهوم و ابعاد جهانی شدن

جهان در آغاز هزاره سوم وارد تمدن جدیدی شده و فناوری اطلاعات پارادایم تازه‌ای را در روابط و مناسبات بین‌المللی به وجود آورده است؛ اما تعریفی دقیق از آن وجود ندارد (رنجکش، ۱۳۸۹: ۲). مفهوم جهانی شدن عبارت است از فرایند فشردگی زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنیا به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند. عرصه‌های مختلفی چون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، فرهنگی و مذهبی دارد (Stibli, 2010: 1). این جهانی شدن با استفاده از ابزارهای گوناگونی رخ می‌دهد که می‌توان آنها را به شکل زیر طبقه‌بندی نمود:

الف) ابزار بازرگانی و بین‌المللی که به معنای افزایش تجارت در گرو کاهش موانع تجاری و شکل‌گیری تجارت آزاد و تولید برپایه مزیت نسبی می‌باشد.

ب) دومین ابزار جهانی شدن شکل‌گیری جریان سرمایه است (تارو، ۱۳۸۳: ۸-۹).

ج) ابزار سوم بین‌المللی شدن تولید است که طی دو دهه گذشته جهانی شدن ادغام بیشتر اقتصادهای جهان را در پی داشته است.

د) ابزار چهارم در خصوص تکنولوژی می‌باشد که یکی از مهم‌ترین عوامل جهانی‌شدن می‌باشد (خندان، ۱۳۹۴: ۱-۳).

همچنین، جهانی‌شدن دارای ابعاد متعددی است. بعد اقتصادی که از لحاظ تاریخی تقدم و برتری جهانی‌شدن به اقتصاد تعلق دارد، ادغام اقتصادی از قرون ۱۶ تا ۱۸ روزه‌روز بیشتر شد و در زمانی که سرمایه‌داری به عنوان شکل مسلط نظام اجتماعی و اقتصادی قد علم کرد همراه با گسترش آن فرایند جهانی‌شدن اقتصاد نیز با شتاب و شدت افزایش یافت. در این دهه حجم تجارت بین‌المللی افزایش یافت که عمده‌ترین شاخص جهانی‌شدن اقتصاد در حوزه تجارت آن می‌باشد و در پی آن حجم تجارت دائماً در حال رشد بوده است. از طرف دیگر، جهانی‌شدن اقتصاد افزایش حجم تجارت کالا و خدمات را به همراه دارد اگرچه قبلاً صادرات مواد خام بوده است اما در قرن ۲۰ صادرات مصنوعات رشد چشمگیری داشته است که می‌توان دو شاخص مهم اقتصاد جهانی را وحدت سازمانی و دیگری نقل و انتقال نیروی کار دانست (رنجکش، ۱۳۸۹: ۲-۱۷). جدول شماره ۱ نشان‌دهنده نمونه‌هایی از جهانی‌شدن اقتصاد در قرن بیستم می‌باشد.

جدول شماره ۱- تغییرات به وجود آمده ناشی از جهانی‌شدن در ابعاد مختلف

| | |
|---|----------------------------------|
| در ۱۹۹۰ حدود ۲ برابر اواسط دهه ۱۹۸۰ رسیده است | میزان حجم تجارت |
| در ۲۰۰۱ نسبت به ۱۹۷۰ بیش از ۵ برابر شده است | میزان رشد امور مالی جریان سرمایه |
| در سال ۲۰۰۰ نسبت به ۱۹۷۰ صد برابر افزایش یافت | میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی |
| در کشورهای درحال توسعه ۸۰ برابر و در کشورهای توسعه یافته ۱۱۵ برابر افزایش داشته است | میزان سرمایه ورودی به کشورها |

(خور، ۱۳۸۳)

بعد دوم، بعد فرهنگی است و از این نظر بیشتر ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش شرایط جدید برای جامعه جهانی و فرهنگ جهانی می‌باشد و نظریه‌پردازان این زمینه معتقدند که رشد فزاینده فناوری و وسایل ارتباطی باعث نزدیکی فرهنگ‌ها شده است (میرمحمدی، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۸). افزایش روابط فرهنگی باعث برقراری نوعی تعامل و تبادل فرهنگی می‌شود که هم موجب تجانس فرهنگی و هم موجب آشفتگی فرهنگی می‌شود.

بعد سوم بعد سیاسی و اجتماعی است. این بُعد موجب می‌شود که افراد و گروه‌های قدرتمند شده بتوانند به عنوان گروه‌های ذی نفوذ بر دولت‌ها تأثیر بگذارند. در این بعد می‌توان از ترویج اندیشه‌های جهان‌وطنی^۱، ارتقاء دموکراسی، زوال اقتدار سنتی، رشد و گسترش حقوق شهروندی، شکل‌گیری نگرش‌های ضداقتدارگرایی و تکثرگرا و... نام برد (Tomlinson, 1999:9). بعد چهارم، بعد علمی و فناوری از قبیل پیشرفت در تولید انواع رایانه و نرم‌افزارها که باعث ارتباط میان مردم و جوامع مختلف گردیده است (میرمحمدی، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۸). فناوری علیرغم تأثیرات مثبت زیادی که دارد می‌تواند پیامدهای منفی از قبیل رواج سریع بحران‌های مالی و آسیب‌پذیری کشورهای ضعیف، وضعیت سخت رقابت واحدهای صنعتی داخلی با خارجی و تشدید بحران اشتغال و... هم داشته باشد (آقازاده و مبارکی، ۱۳۹۰: ۵-۸).

۲- مهاجرت و جایجایی نیروی کار

برای مهاجرت تعریف جامعی وجود ندارد ولی ابتدایی‌ترین نوع آن را می‌توان مهاجرت مردمان روستاها به شهرها دانست که به مرور زمان اشکال متنوع‌تری به خود گرفته است. اگرچه مهاجرت بشر برای مدت هزاران سال وجود داشته و دارد، مهاجرت در مفهوم مدرن به حرکت و کوچ افراد از یک ملیت - کشور به کشور دیگر، که در آنجا شهروند نیستند، محسوب می‌شود. اگر عبور از مرزهای سیاسی را به آن بیفزاییم به معنی مهاجرت بین-المللی می‌باشد (وحیدی، ۱۳۶۴: ۱۱). مهاجرت بین‌الملل به‌عنوان تغییر مکان اقامت معمول افراد از یک کشور به کشور دیگر تعریف می‌شود و زمانی که میزان اقامت فرد از یک سال بیشتر شود آن شخص از بازدیدکننده به مهاجر بین‌الملل تغییر می‌کند (kritz,2007:3019). بر طبق آمار منتشر شده سازمان ملل، در سال ۲۰۰۵ جمعیت مهاجران جهان ۱۹۰ میلیون نفر بوده است (UN,2005).

مهاجرت می‌تواند به صورت‌های؛ متقارن و یا نامتقارن، درون کشوری و یا برون کشوری؛ که درون کشوری حرکتی است در یک چارچوب قانونی ملی انجام می‌شود. طبق آمار موجود سازمان ملل و بانک جهانی مهاجران رسمی بین‌المللی تاکنون ۳ درصد از

¹. Cosmopolitanism

جمعیت جهان را شامل می‌شوند (وثوقی و حجتی، ۱۳۹۱: ۲۴). در سال ۲۰۱۳، اروپا و آسیا نزدیک به دو سوم از مهاجرت بین‌الملل را شامل می‌شدند که حدود ۷۲ میلیون در اروپا و ۷۱ میلیون در آسیا بود و سومین آمار مهاجرت بین‌المللی در جهان مربوط به آفریقا بود که ۵۳ میلیون نفر را شامل می‌شد و سپس امریکای لاتین و کارائیب با ۹ میلیون در رده چهارم و در نهایت اقیانوسیه با رقم ۸ میلیون نفر در رده پنجم قرار داشت. در طول دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ امریکای شمالی با حدود ۲۰ میلیون بالاترین آمار مهاجران بین‌المللی را اضافه کرد. جدول شماره ۲ میزان مهاجرت در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: میزان مهاجرت بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳

| نام کشور | جمعیت مهاجر (میلیون نفر) |
|----------|--------------------------|
| آمریکا | ۴۸,۵ |
| روسیه | ۱۱ |
| آلمان | ۹,۸ |
| عربستان | ۹,۱ |
| امارات | ۷,۸ |
| انگلیس | ۷,۸ |
| فرانسه | ۷,۴ |
| کانادا | ۷,۳ |
| استرالیا | ۶,۵ |
| اسپانیا | ۶,۵ |

United Nation, department of economic and social affairs, population division international migration report, 2013

از عوامل مهاجرت می‌توان دو دسته از عوامل رانشی و کششی را نام برد (صالحی عمران، ۱۳۸۵: ۶۴). عوامل جاذبه همچون فرصت‌های شغلی بهتر، حقوق بالاتر، خدمات بیمه‌ای و اجتماعی بهتر و یا از عوامل دافعه: تورم، بیکاری، عوامل زیست‌محیطی همچون آلودگی (مواردی از مهاجرت به علت آلودگی محیطی و آلاینده‌ها بخصوص برای افراد بیمار می‌باشد)، شرایط آب‌وهوایی، خشکسالی و... می‌باشد. سورکین با ذکر داده‌هایی درباره روسیه، ایرلند و بسیاری از موارد دیگر نشان می‌دهد که مهاجرت پاسخی بر بلایای طبیعی،

جنگ و همچنین وضعیت‌های ماقبل انقلاب است. (گر، ۱۳۷۷: ۱۰۵) همچنین مهاجرت با فقر رابطه نزدیکی دارد و آثار دوسویه‌ای را در بر می‌گیرد. فقر ممکن است باعث مهاجرت شود و مهاجرت نیز می‌تواند باعث افزایش و یا کاهش فقر در کشور مبدأ و مقصد شود؛ لذا در برخی از موارد مهاجرت باعث از دست رفتن سرمایه و فقر می‌شود. (علاءالدینی و امامی، ۱۳۸۴: ۲) چرا که این نیروی مهاجر در کشورهای مهاجرپذیر باعث ارتقاء کشور مقصد می‌شود. از سوی دیگر، مهاجرت نه تنها رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه خود تحت تأثیر رشد قرار دارد. برای مثال، کشور مقصد با استفاده از نیروی مهاجرکاری مشاغل سخت‌تر را به مهاجران واگذار نموده و دستمزد کمتر و پرداخت کمتری را به این نیرو دارند و باعث افزایش پیشرفت خود می‌شوند. برخی از مهاجران به کسب مشاغل پایین رضایت می‌دهند که اینگونه مشاغل با دستمزد پایین برای ساکنان بومی هیچ جذابیتی نداشته است. حتی بسیاری از مهاجران برای خود کارآفرینی ایجاد نموده‌اند که به افزایش رشد اقتصادی کمک می‌کند و بیکاری را کاهش می‌دهد (ساعی و سیفی، ۱۳۹۰: ۱۶۴) مهاجرت بخصوص در جوانان نوعی واکنش به فقدان فرصت‌های محلی و محدودیت‌ها می‌باشد. عموماً مسیر حرکت‌های مهاجران از کشورهای توسعه‌نیافته به سمت کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته صنعتی می‌باشد (تفرشی مطلق، ۱۳۸۸: ۲۱۲-۲۱۸). مهاجرت را می‌توان واکنشی به فقدان فرصت‌های محلی و درونی دانست (ذکائی، ۱۳۸۵: ۴۱). اما مهاجرت عواقب و آثاری را به دنبال دارد که می‌توان عوامل زیر را در نظر گرفت:

۱- رشد جمعیت مهاجر از فرهنگ‌های مختلف، گروه‌های مذهبی و نژادی گوناگون منجر به ایجاد حوزه جدیدی شده که می‌تواند تقاضاهای سیاسی برای جامعه میزبان، برای پذیرش رویه‌های فرهنگی، درخواست‌های آموزشی، مسائل عبادی و ... ایجاد نماید. بنابراین موضوعات و چالش‌های مرتبط با مهاجرت فراتر از بحث سیاست‌گذاری در مورد پذیرش مهاجران جدید است و بسیاری از حوزه‌های فرهنگی اجتماعی و سیاسی را در بر می‌گیرد. مهاجرت ممکن است باعث سردرگمی ناشی از گسست فرهنگی با کشور میزبان و بیگانه بودن با فرهنگ کشور و ایجاد بحران هویت در افراد مهاجر شود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۱: ۵۶). برای نمونه تغییر مبدأ مهاجران از اروپا به آسیا، آفریقا و امریکای لاتین به این معناست که

مهاجرت به شکل اجتناب‌ناپذیری منجر به تنوع بیشتر نژادی و فرهنگی در کشورهای مهاجرپذیر در کشورهای عضو سازمان همکاری توسعه اقتصادی شده است. بنابراین، مهاجرت بسیار از کشورهای کمتر توسعه‌یافته به توسعه‌یافته نیاز کشورهای مهاجرپذیر به کثرت‌گرایی فرهنگی، همگرایی اجتماعی و توجه به مسئله تبعیض نژادی را تقویت می‌کند.

۲- در بلندمدت به خروج دانش، سرمایه و کاهش نیروی کار مولد منجر می‌شود و باعث برهم خوردن توازن سنی و جنسی و جمعیتی مثل کاهش جمعیت مخصوصاً قشر جوان می‌شود.

۳- باعث ایجاد روابط مخدوشی میان مهاجران و بومیان می‌گردد که ناشی از عدم شناخت دو سویه و مایل نبودن به پذیرش عقاید و ارزش‌های طرفین است (علاء‌الدینی و امامی، ۱۳۸۴، ص ۴۳) که در این فضای ایجاد شده اختلافات و تمایزات آشکار میان شهروندان و مهاجران باعث ایجاد زمینه ناآرامی و تهدید امنیت می‌شود. یکی از مهم‌ترین مباحث مهم در خصوص مهاجرت ارتباطی است که با امنیت دارد لذا مهاجرت بالاخص مهاجرت‌های غیرقانونی پیامدهای امنیتی زیادی را برای کشور میزبان به بار می‌آورد و می‌تواند باعث پیامدهای نامقبولی همچون افزایش بیماری‌های خطرناک، تردهای غیرقانونی مرزی، فعالیت احزاب غیرقانونی، گسترش تروریسم، جاسوسی، برهم خوردن ترکیبات قومی، فرهنگی حتی مذهبی می‌شود (زرقانی و موسوی، ۱۳۹۱، ص ۸). در این روند رشد صعودی مهاجرت، رژیم‌ها و دولت‌های سیاسی کشورهای پیشرفته نگران حاکمیت ملی و به خطر افتادن امنیتشان در مقابل رشد روزافزون مهاجران هستند (سیفی و ساعی، ۱۳۸۹: ۱۳۰) در کشورهای مختلف ورود مهاجران کاری تأثیراتی مختلف را در آن کشور بر جای گذاشته است که نمونه بارز آن ایران می‌باشد که در سال ۱۳۸۰ حضور ۲ میلیون و ۳۵۰ هزار افغانی شمار ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار جایگاه و فرصت شغلی را در اختیار مهاجران افغان قرار داده بود که به نظر می‌رسد امروزه به دو برابر افزایش یافته است. اگرچه ۹۱ درصد مشاغل غیرتخصصی می‌باشند اما حدود ۶۴ درصد جمعیت بیکار ایران هم فاقد تخصص می‌باشند (علوی، ۱۳۸۱: ۲۴-۱۲۰).

امروزه با توجه به دسترسی به امکانات مختلف فقط شکل‌های سنتی مهاجرت را در جوامع سنتی به سمت جوامع صنعتی مشاهده نمی‌کنیم بلکه در عصر جدید نظاره‌گر انواع

مختلف مهاجرت به شکل‌های مختلف جنوب به شمال (بیشتر مهاجران کاری را شامل می‌شود)، جنوب به جنوب (درگیری‌های قومی و مذهبی و یا نابسامانی‌های اجتماعی)، شمال به شمال (نیروی کار ماهر) و شمال به جنوب (دسترسی به منابع) هستیم. اکثر اندیشمندان در این زمینه معتقد هستند یکی از مهم‌ترین عوامل این تنوع مکانی پیش آمده در مقصد و مبدأ مهاجرت بالاخص در نوع مهاجرت نیروی کار، روند مهم جهانی شدن می‌باشد. البته شدت و ضعف در این روند نیز نمی‌تواند فارغ از تأثیرات جهانی شدن باشد. با توجه به آمار بالایی که مهاجرت نیروی کار در انواع مهاجرت به خود اختصاص داده است در ادامه به بررسی تأثیر پدیده مهم جهانی شدن بر مهم‌ترین نوع مهاجرت که همان مهاجرت نیروی کاری می‌باشد می‌پردازیم.

۳- تأثیر جهانی شدن بر مهاجرت نیروی کار

ورود به عصر جهانی شدن باعث بروز چندین تغییر اساسی در مهاجرت نیروی کار شده است. بسیاری از این تغییرات مرتبط با ظهور یک ساختار اقتصادی جهانی نوین بوده که این ساختار بر کشورهای توسعه یافته و مناطق پیرامونی تأثیر داشته است. جهانی شدن باعث تسریع گردش و توزیع کالا و خدمات و سرویس‌دهی در سرتاسر مرزهای کشورها و جهان شده است. غیرقابل انکار است که از قِبَل جهانی شدن ملت‌ها و مناطق به هم وابسته شده‌اند اما میزان بالای جهانی شدن در عرصه اقتصادی و وابستگی اقتصادی آشکار است و جنبه‌های تولید و توزیع را تحت تأثیر قرار داده است. اگرچه آثار جهانی شدن در عوامل دیگر نیز مشهود می‌باشد اما به اندازه تحولات اقتصادی قابل توجه نمی‌باشند. به‌طور کلی، جهانی شدن آثار زیر را بر مهاجرت نیروی کار داشته است.

الف) تغییرات در مبدأ و مناطق مقصد

یکی از مهم‌ترین آثار جهانی شدن بر مهاجرت نیروی کار، تغییر در مبدأ و مقصد مهاجرت در سطح جهان است. اروپا که مبدأ سنتی مهاجرت بوده به اصلی‌ترین مقصد مهاجران بین‌المللی تبدیل شده است. در سراسر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اروپا مبدأ اصلی ارسال مهاجران به مناطق دیگر جهان به ویژه به آمریکای شمالی و استرالیا بود.

آمریکا در سال ۱۹۶۵ و کانادا در سال ۱۹۶۷ قوانین خود در مورد مبدأ و شیوه پذیرش مهاجران را اصلاح و راه را برای ورود نیروی کار ماهر و تحصیل کرده به بازار کار این کشورها باز کردند. در دهه ابتدایی قرن ۲۱ آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین محل اصلی فرستادن مهاجران و اقیانوسیه، اروپا و آمریکای شمالی محل اصلی ورود مهاجران می‌باشند. با این تغییرات در منبع و مقصد مهاجرت نیروی کار می‌توان استدلال کرد که جغرافیای معاصر مهاجرت نیروی کار نشان دهنده جهانی‌شدن اقتصاد جهانی و بازار کار است که در آن تعداد زیادی از کشورهای شرکت‌کننده در سیستم مهاجرت جهانی دگرگون شده‌اند. جدول شماره ۳، میزان مهاجرت در مناطق مختلف جهان را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: مربوط به آمار مهاجران در سال ۲۰۱۳

| نام قاره‌ها | تعداد مهاجران |
|-------------------------|---------------|
| اروپا | ۷۲ میلیون نفر |
| آسیا | ۷۱ میلیون نفر |
| آفریقا | ۵۳ میلیون نفر |
| آمریکای لاتین و کارائیب | ۹ میلیون نفر |
| اقیانوسیه | ۸ میلیون نفر |

United Nation, department of economic and social affairs, population division international migration report, 2013

ب) تغییر هرم جمعیتی در کشورهای توسعه یافته و نیاز به نیروی کار

یکی از آثار مهم جهانی‌شدن به ویژه در کشورهای توسعه یافته و مهاجرپذیر، کاهش میزان زادوولد است که این کاهش و سالخوردگی جمعیت در سطح بالایی کشورهای توسعه یافته را مجبور ساخته تا از مهاجران بین‌المللی به عنوان منبع تأمین نیروی کار و رشد جمعیت استفاده برند. این فرآیند عمدتاً ناشی از تغییر گسترده سبک زندگی در این کشورها و ورود گسترده زنان در عرصه‌های مختلف به ویژه اقتصادی است. در میان کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نرخ زادوولد از دهه ۱۹۶۰ کاهش یافته است در حالی که در کشورهای در حال توسعه اینگونه نیست. در انگلستان در سال ۲۰۱۲ تعداد

۴۰۰ هزار نفر به جمعیتش افزوده شده است و یا در ایتالیا علیرغم کاهش ۷۰ هزار نفری جمعیت بومی این کشور با توجه به ورود مهاجران، این کشور ۳۷۰ هزار نفر به جمعیتش اضافه شده است. کاهش زادوولد به این معناست که موضع طرفداران ورود نیروی کار از خارج تقویت گردد. سالخوردگی جمعیت مشکل جمعیت شناسانه دیگری است که این امر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرم سنی جمعیت در کشورهای جهان یکسان نیست. مثلاً در کشورهای جهان سوم سن بخش عمده‌ای از جمعیت کمتر از ۱۵ سال، بخش کمی کوچک‌تر بین ۱۵ تا ۴۵ سال و بخش کوچکی از آن بیش از ۴۵ سال است (تودارو، ۱۳۶۴: ۷). هرم سنی جمعیت در کشورهای صنعتی پیشرفته که دارای جمعیتی پیر هستند با هرم سنی جمعیت در کشورهای در حال توسعه که جمعیتی جوان دارند متفاوت است. جدول شماره ۴، برآوردی از تغییرات جمعیتی در مناطق مختلف جهان آمده است.

جدول شماره ۴: برآورد روند تغییرات جمعیتی، میزان مرگ‌ومیر در هزار نفر در

مناطق مختلف جهان تا سال ۲۰۵۰

| مناطق | ۱۹۵۰-۱۹۹۵ | ۱۹۹۵-۲۰۰۰ | ۲۰۱۰-۲۰۰۵ | ۲۰۳۰-۲۰۲۵ | ۲۰۵۰-۲۰۴۵ |
|-------------------------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|
| جهان | ۱۹,۵ | ۸,۹ | ۸,۵ | ۸,۵ | ۱۰ |
| کشورهای توسعه یافته | ۱۰,۳ | ۱۰,۱ | ۱۰,۱ | ۱۱,۱ | ۱۲,۷ |
| کشورهای در حال توسعه | ۲۳,۷ | ۸,۶ | ۸,۱ | ۸ | ۹,۶ |
| آسیا | ۲۳,۵ | ۷,۸ | ۷,۴ | ۸ | ۱۰,۳ |
| آمریکای لاتین و کارائیب | ۱۵,۶ | ۶,۲ | ۶ | ۶,۹ | ۹,۵ |
| آمریکای شمالی | ۹,۴ | ۷,۸ | ۷,۸ | ۸,۷ | ۱۰,۵ |
| اروپا | ۱۰,۸ | ۱۱,۶ | ۱۱,۴ | ۱۲,۲ | ۱۳,۸ |
| آفریقا | ۲۵,۷ | ۱۳,۸ | ۱۲,۵ | ۹,۲ | ۸ |
| اقیانوسیه | ۱۲,۶ | ۷,۶ | ۷ | ۷,۶ | ۹ |
| ایران | ۲۲,۸ | ۵,۹ | ۵,۷ | ۵,۹ | ۹,۳ |

Source: United Nations Population Division, World Population Prospects, Revised (2008)

ج) تغییر در تقاضای نیروی کار

جهانی شدن تأثیر متناقضی برای تقاضای نیروی کار داشته و فرصت‌های جدید تحرک اجتماعی برای آنها که دارای دانش و دانش فنی هستند ایجاد نموده است. این مسئله انواع گوناگون تقاضای نیروی کار در مکان‌های مختلف ایجاد نموده است. در مناطق توسعه‌یافته جهان، تقاضا عمدتاً برای نیروی کار ماهر مرتبط با رشد اقتصادی است در حالی که در مناطق حاشیه‌ای که تحت تأثیر اقتصاد بازار هستند تقاضا برای نیروی کار ارزان‌قیمت برای تسریع بخشیدن به سرعت رشد اقتصادی است. همانطور که قبلاً بیان شد مهاجرت هم تحت تأثیر رشد است و هم خود تأثیرگذار بر رشد است.

تناقض دیگری در مناطق توسعه‌یافته وجود دارد که قابل توجه است و ساسن آن را «شهرهای جهانی» می‌نامد. (Sassen, 2005: 12) تقاضا و رشد شرکت‌های خدماتی خاص در شهرهای جهانی حرفه‌ها و فرصت‌های شغلی حرفه‌ای ایجاد کرده اما غیررسمی شدن فعالیت‌های اقتصادی در تولید و توزیع منجر به دستمزد پایین برای وابستگان به آنها شده است. بنابراین در اثر جهانی شدن تقاضا برای نیروی کار ماهر به وسیله کشورهای مهاجرپذیر رشد یافته است. در حالی که برای نیروی کار به سمت مناطق حاشیه‌ای تغییر جهت داده جایی که استفاده از چنین نیروهای کاری ارزان و اقتصادی است. هرچند تقاضای ساختاری و تقاضای واقعی متفاوت است. براساس نظریه‌های اقتصادی، تقاضا برای نیروی کار ماهر ویژگی دائم سرمایه است (piore, 1979: 527) به این دلیل که در نظام سرمایه‌داری سرمایه ثابت و نیروی کار متغیر است. با تغییر جهت تولید به مناطق حاشیه‌ای تقاضا برای نیروی کار به شکل تاریخی، رشد تقاضا برای نیروی کار ماهر با سرمایه‌گذاری دولت‌ها برای آموزش بالاتر به عنوان ابزاری برای اطمینان از مهارت نیروهای متقاضی همزمان شد. از جهتی دیگر، امروزه با توجه به جهانی شدن گرایش‌های بسیار زیادی برای افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در داخل کشورهای در حال رشد است که منجر به نوعی تغییر در مهاجرت نیروی کار شده است. با توجه به سرمایه‌گذاری‌های خارجی زیادی که در کشورهای در حال توسعه از سوی کشورهای پیشرفته انجام می‌شود منجر به دستاوردهای پرسود مالی همراه با هزینه‌های کمتر برای آنان گردیده است. بنابراین ما شاهد اقداماتی از

قبیل تأسیس شرکت‌های خارجی در کشورهای میزبان هستیم که منجر به ورود مهاجران ماهر نیروی کار از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه شده است. البته قابل بیان است که تعداد مهاجران نیروی کار در این مدل قابل مقایسه با نیروی کار مهاجر ماهر و غیرماهر از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته صنعتی نمی‌باشد. عامل افزایشی دیگر در مهاجرت نیروی کار اشتغال بیشتر زنان در دهه‌های اخیر است. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ سهم نیروی کار زنان افزایش یافت و میزان تقاضای زنان با تحصیلات بالا با رشد ثابتی در کشورهای توسعه‌یافته حفظ شد.

همچنین، کاهش زادوولد بدان معناست که نیروی کار تحصیل کرده ممکن است در آینده کمتر شود. این بدان معناست که میزان افراد فارغ‌التحصیل داخلی در آینده کاهش خواهد داشت که این تقاضا برای نیروی کار خارجی افزایش یابد. این مسئله فشاری اضافی برای کشورهای صنعتی پیشرفته ایجاد می‌کند تا به مهاجران به عنوان ابزاری برای حل مشکلات در مورد تأمین نیروی کار ماهر بنگرند. برای مثال بیش از ۷۰ درصد از رشد نیروی کار بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ از مهاجران جدید بودند و تقریباً تا سال ۲۰۱۱ این رقم به نزدیک ۹۰ درصد رسید.

د) ایجاد گرایش‌های متناقض در تقاضای نیروی کار و مهاجرت

جهانی‌شدن اقتصاد گرایش‌های متناقضی در مهاجرت بین‌المللی ایجاد نموده است. آن‌چنان که اشاره شد گسترش سرمایه‌داری و جهانی‌شدن اقتصاد به موازات آزادی بیشتر حرکات‌های مرتبط با تجارت، سرمایه، واردات، صادرات، اطلاعات منجر به تشویق عمل به گسترش فعالیت‌ها در سطح مناطق جغرافیایی به شکل نامحدود شده است.

امروزه مهاجران جذب مناطق توسعه‌یافته می‌شوند زیرا معمولاً از لحاظ مادی و دستمزد، مزایای مالی بیشتری در این کشورها دریافت می‌کنند. ناهمگونی‌های منطقه‌ای توضیح می‌دهند که چرا مناطق توسعه‌یافته از لحاظ اقتصادی نظیر امریکای شمالی، اروپا و اقیانوسیه بیشتر مهاجرپذیر و آسیا و ... بیشتر مهاجرفرست هستند. کشورهای سرمایه‌داری از جمله امریکا و کانادا از لحاظ اقتصادی تمایل بیشتر به ورود مهاجران ماهر دارند. انواع مختلف مهاجران دیگر که به سمت کشورهای توسعه‌یافته می‌روند نیز دلایل مشابهی دارند. برای آنها

کسب مهارت‌های حرفه‌ای و سرمایه انسانی بسیار مهم است زیرا این کشورها در عصر جهانی شدن اطلاعات به مشاغل مربوط به این حوزه دستمزد بیشتری می‌پردازند. اما توانایی جذب بالای کشورهای توسعه‌یافته همچنین باعث جذب افراد دیگری نیز می‌شود که در اثر فرایندهای جهانی شدن اقتصادی و دیگر معضلات اجتماعی و اقتصادی در کشور خود به حاشیه رانده شده‌اند. برای آنها در کشورهای توسعه‌یافته فرصتی برای بهبود شرایط زندگیشان وجود دارد حتی اگر فاقد مهارت‌های آموزشی و مهارت‌های فنی باشند و می‌توانند حتی در سطوح حاشیه‌ای و با دستمزدهای پایین‌تر مشغول شوند. به طور خلاصه، در مقایسه با امکانات محدود در کشور خود، برای آنها مهاجرت جذاب بوده حتی اگر در کشورهای مقصد وارد کارهای حاشیه‌ای شوند. بنابراین، دو شکل مهاجرت نیروهای ماهر و غیرماهر در سطوح مختلف می‌تواند باعث برهم خوردن تقاضا و عرضه نیروی کار مورد نیاز شود.

ارزیابی انواع مختلف افرادی که از مرزهای ملی عبور می‌کنند دشوار است. هرچند مقایسه بین جمعیت مهاجران جهانی و پناهندگان در حال آشکار شدن است. در سال ۲۰۰۶ سازمان ملل تخمین زد که ۱۳/۵ میلیون پناهنده در سطح جهانی وجود دارد که ۸۰ درصد آنها در مناطق کمتر توسعه‌یافته جهان پناهنده شده‌اند اما بیش از ۶۰ درصد مهاجران در کشورهای توسعه‌یافته هستند. (UN, 2006) بزرگی میزان این دو جریان جمعیتی همچنین تناقض بین روش‌های متناقض که توسط کشورهای صنعتی توسعه‌یافته برای مهاجران خواسته یا ناخواسته اتخاذ کرده را توضیح می‌دهد. بسیاری از کشورها سیاست مهاجرت خود را به عنوان ابزاری برای تنظیم ورود مهاجران ماهر تنظیم می‌کنند. درباره ورود مهاجران کشورها سیاست‌های متفاوت و رویه‌های مختلفی را دارند. با توجه به نیاز خود شرایط و مقرراتی را اتخاذ می‌کنند و با تغییر شرایط و نیازها سیاست‌ها و قوانین و مقررات نیز تغییر می‌نمایند. نمونه آن، قوانین اروپا برای ورود پناهجویان می‌باشد.

برای بررسی این امر ابتدا باید جنبه‌های مهم جهانی شدن به خصوص جنبه اقتصادی را بررسی کرد و آثار آن را در مهاجرت نیروی کاری مشخص نمود، چرا که طبق بررسی‌ها و آمارهای موجود از قبیل استناد به آمارهای منتشره سازمان ملل اولین علت بسیاری از موارد مهاجرت نیروی کار از لحاظ اقتصادی می‌باشد. پدیده جهانی شدن اقتصاد، کشورها و به طور

چشمگیری بازار کار را دچار تحول نموده است. جهانی شدن در اقتصاد اثرات متناقضی در نیروی کار داشته است باعث ظهور موقعیت‌ها و فرصت‌های جدید و تحرکات اجتماعی جدید شده است. (Li, 2008:9) بی‌شک خاستگاه اولیه و مبنای اصلی جهانی شدن اقتصاد و تجارت جهانی است، منظور از تجارت جهانی نقل و انتقال کالا و خدمات از مرزهای میان کشورها است، روند جهانی شدن دو بعد کمی و کیفی را دارا می‌باشد. از لحاظ کمی جهانی شدن در اقتصاد و افزایش تجارت و حرکت سیال سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش مسافرت و مهاجرت و ... تبلور می‌یابد که برخی از این بعد به عنوان وابستگی متقابل فراملی نام می‌برند اما بعد دیگر جهانی شدن از لحاظ کیفی است که در سال‌های اخیر در قالب تسلط متغیر اقتصاد بر تعاملات بین‌المللی، بازیگران جدید جهانی و توسعه سریع فناوری ارتباطی تبلور یافته است. ضرورتاً سرعت و حرکت جهانی شدن اقتصاد ناشی از توسعه فناوری‌های ارتباطی و حمل‌ونقل و عملکرد حکومت‌ها در ایجاد مدیریت و ظرفیت و توانایی‌های اقتصادی است (سیدزاده، ۱۳۸۵: ۱۲). جغرافیدانان، جهانی شدن را به معنای انتقال و تغییر در مکان فعالیت‌های اقتصادی و کاهش موانع طبیعی به دلیل آسان شدن حمل‌ونقل می‌دانند. (Crafts and Venable, 2001: 323)

بعد اقتصادی جهانی شدن، بازارها و اقتصاد را دچار تحول کرده است و دارای دو بُعد عمده افزایش تجارت کالاها و خدمات نهایی در بین کشورها و افزایش تحرک بین‌المللی عوامل تولید (سرمایه-نیروی کار) می‌باشد (دادگر و ندیری، ۱۳۸۵: ۳). در راستای تأثیر اقتصاد ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد. نخست، با آزادسازی سرمایه‌گذاری‌های خارجی تعداد کمی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشورهای در حال توسعه می‌باشد که اغلب آنها هم کوتاه مدت هستند. برای مثال، در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ حدود ۳۳ هزار تا ۴۲ هزار مهاجر چینی به دلیل وضعیت بد اقتصادی به کانادا رفتند اما بعد از رشد اقتصادی و فرایند توسعه اقتصادی چین به کشورشان بازگشتند. اگرچه در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۱ از ۱۷ درصد به ۳۲ درصد رسید (خور، ۱۳۸۵: ۹). اما با این حال به دلیل برخی تفاوت‌های اقتصادی و کوتاه‌مدت بودن این سرمایه‌گذاری‌ها خود عاملی در تعدیل رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. دوم آنکه، گزارش توسعه انسانی مربوط به سال ۱۹۹۶ نشان

داده است که در پی تغییرات در تجارت و سرمایه‌گذاری و امور مالی توسط فرایند جهانی‌شدن تنها ۱۵ کشور از رشد بالایی برخوردار شده‌اند در حالی که ۸۹ کشور وضعیت بدتری نسبت به گذشته پیدا کرده‌اند.

سوم آنکه، از لحاظ درآمد هم در این فرآیند می‌توان شاهد تغییراتی بود که شکاف درآمد با جهانی‌شدن رابطه تنگاتنگی دارد. به گزارش سازمان تجارت و توسعه (آنکتاد) در سال ۱۹۶۵ درآمد سرانه کشورهای صنعتی ۲۰ برابر درآمد سرانه ۷ کشور فقیر دنیا بود و تا سال ۱۹۹۵ به ۳۹ برابر رسید که بر اساس گزارش سازمان تجارت و توسعه در سال ۱۹۹۷ این روندها ناشی از آزادسازی شتابان است مانند الف) نابرابری فزاینده دستمزدها بین کارگران ماهر و غیرماهر ب) سود بالا در مقایسه با نیروی کار ارزان ج) آزادسازی محصولات کشاورزی در کشورهای در حال توسعه که سودش نصیب بازرگانان می‌شود نه کشاورزان (خور، ۱۳۸۵: صص ۱۶-۱۷). آشکار است که سهم اشتغال بخش‌های مختلف اقتصادی در فرایند جهانی‌شدن تغییر می‌یابد.

چهارم این‌که، بعد اقتصادی جهانی‌شدن در کشورهای در حال توسعه در کوتاه‌مدت باعث کاهش صنایع سنگین و کاهش اشتغال و صادرات می‌شود. از جهت مقابل باعث افزایش اشتغال در کشورهایی که دارای مزیت نسبی هستند می‌شود به همین دلیل نابودی مشاغل زودتر از ایجاد شغل اتفاق می‌افتد، یکی دیگر از ابعاد جهانی‌شدن اقتصاد تحرک بین‌المللی نیروی کار است. در سیاست‌های مهاجرت نیروی کار، اراده کشورهای میزبان برای محدود ساختن کار در یک دوره زمانی محدود مهاجرت افرادی را که قصد اقامت طولانی ندارند، ممکن می‌سازد. به این ترتیب در کشورهای اروپایی که برای محدود ساختن ورود مهاجران سیستم استخدام موقت را به کار می‌گیرند، با خطر نیروی کار خارجی بیش از نیروی کار داخلی روبرو خواهند شد. هرچند امروزه با اتخاذ قوانین سخت مهاجرت، بیشتر کشورها از ورود دائمی نیروی کار غیرماهر جلوگیری می‌کنند. اما با این حال هنوز هم مهاجرت دو نیروی کار ماهر و غیرماهر از کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه به سمت کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی امری دائمی می‌باشد. (دادگر و ندیری، ۱۳۸۵: ۸-۹)

با توجه به آسان تر شدن و کمتر شدن هزینه‌های انتقال و حمل‌ونقل، مهاجرت نیروی کار آسان تر شده است. امروزه به واسطه وسایل ارتباطی نوین، مهاجرت بیش از هر زمان دیگری رخ می‌دهد. رشد حجم مسافرت‌های پیوسته به دلیل امکانات فراوان باعث افزایش اطلاعات افراد در مورد نحوه زندگی مردمان کشورهای دیگر می‌شود. یکی دیگر از جنبه‌ها و ویژگی‌های مهم و مؤثر، جهانی شدن اقتصاد تکنولوژی است که آزادسازی تجاری نیز آن را تسهیل کرده است. این فرایند ماشین را جایگزین نیروی کار ساده نموده است و نیاز به افراد متخصص را بیشتر کرده است. در حالی که در کشورهای در حال توسعه کارگران بخش کشاورزی و غیررسمی حدود دو پنجم نیروی کار را تشکیل می‌دهند (دادگر و ندیری، ۱۳۸۵: ۸-۹) گسترش اقتصاد بازار در پرتو جهانی شدن اقتصاد، انواع مختلف تقاضاهای اقتصادی در مناطق مختلف جهان ایجاد نموده است. تحت تأثیر قرار گرفتن کشورها در این روند باعث تأثیر در مهاجرت نیروی کار شده است.

در کشورهای پیشرفته صنعتی، تقاضای بالایی برای نیروی کار با مهارت بالا به عنوان نتیجه گسترش فناوری و مهارت‌های نوین وجود دارد. درآمد و توسعه بالاتر در سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سطح بالاست. بنابر شرایط اقتصادی متغیر در حالت جهانی شدن، تقاضا برای نیروی کار با مهارت بالا و همچنین فرصت‌های جایجایی بین‌المللی برای چنین نیروهایی افزایش می‌یابد. تقاضا برای نیروی کار ماهر به وسیله تغییرات جمعیتی در بسیاری از کشورهای صنعتی توسعه یافته تشدید می‌شود که در آن سطح پایین نرخ باروری پایین‌تر از سطح جایگزینی طبیعی است و باعث شده جمعیت این کشورها سالخورده گردند و به شکل بالقوه تعداد نیروی کار کاهش یابد. اقتصاد مرکب و نیروهای جمعیتی گرایش‌های مختلفی در مهاجرت بین‌المللی ایجاد نموده که خود تناقضات و چالش‌های مهمی در سیاست‌گذاری کشورهای مهاجرپذیر ایجاد نموده است. اغلب کشورهای توسعه یافته اکنون به مهاجرت به عنوان منبع نیروی کار و ابزاری برای رشد اقتصادی می‌نگرند، برای مثال، می‌توان به آلمان اشاره نمود که در سال‌های آینده تقاضای بالایی برای ورود نیروی کار به این کشور دارد چراکه طیف سنی مردم این کشور رو به پیری و سالخوردگی می‌باشد و از سوی دیگر با توجه به بازنشسته شدن این افراد، احتیاج به نیروی کار جدید برای پرداخت مستمری بومیان خود دارد.

کشورهای مهاجرپذیر اقدامات متفاوتی را برای کاهش دادن کمبود نیروی کار ماهر انجام می‌دهند از جمله آسان‌تر کردن این مسیر برای حرفه‌ای‌ها و در مناطق اقتصادی همگرا به تقویت مرزها برای جلوگیری از ورود کارگران غیر ماهر می‌پردازند. بنابراین جهانی‌شدن اقتصاد پاسخی متناقض به کنترل مرزی است که برخی مواقع ایجاب می‌کند از یک طرف ورود نیروی کار ماهر آسان شود و از سوی دیگر سختگیری برای ورود نیروی کار غیرماهر را افزایش دهد. در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته اکثر نیروهای مشغول به کار در قسمت کشاورزی و کارهای غیرمهارتی مشغولند.

ضمن بیان عوامل و نتایج بیان شده در این قسمت می‌توان به این نتیجه رسید که جهانی‌شدن به طرز چشمگیری باعث افزایش مهاجرت نیروی کار ماهر و اعمال محدودیت‌هایی برای ورود نیروی کار غیرماهر به کشورهای پیشرفته شده است که می‌توان کانادا را به عنوان نمونه بیان کرد. در کانادا در سال ۲۰۰۵، ۲۶۲/۸۲۴ مهاجر قانونی پذیرفته شد و همچنین ۲۴۷/۱۴۳ اقامت موقت نیز صادر گشت و به یک سوم آنها مجوز کار داده شد. استفاده از پذیرش موقت و اعطای مجوز کار وسیله‌ای است که نشان می‌دهد برخی کشورها به دنبال افزایش کارگران خارجی بدون ارتقای سطح مهاجران هستند. با این کار درصدد هستند آثار منفی آن تعداد از مهاجران خارجی کم مهارت یا فاقد مهارت را کاهش دهند. باتوجه به اینکه یکی از انگیزه‌های مهاجرت کاری کسب درآمد برای خانواده در کشور مبدأ می‌باشد این بُعد می‌تواند چالشی محسوب شود که در مهاجرت نیروی کار و جهانی‌شدن وجود دارد؛ به خصوص این هدف از مهاجرت در کشورهای در حال توسعه است که به سمت کشورهای توسعه‌یافته صنعتی مهاجرت می‌کنند. در زلاندنو، استرالیا و کانادا تمایل به پذیرفتن نیروی کار ماهری است که خانواده‌های کوچکتر داشته باشند. چالش ایجاد نمودن از طرف امریکا برای مهاجران با جمعیت خانوادگی بالا موضوع چالش برانگیز دیگر برای پذیرش مهاجران ماهر به علاوه بحث بازگشت و خروج سرمایه مالی و انسانی آنهاست. با آسان‌تر شدن انتقالات نیروی انسانی، بحث بازگشت مهاجران به سرزمین اصلی خود پس از مدتی و خروج حجم سنگینی از سرمایه برای کشورهای مهاجرپذیر مهم است. برای مثال روند مهاجرت شدید از هنگ‌کنگ به کانادا در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ وجود

داشت لیکن این قضیه از دهه ۱۹۹۰ برعکس شده و هنگ کنگ برای بازگشت مهاجران شرایط خاصی را اعلام نموده است. (Li, 2008: p7-8) از این لحاظ امکان دارد براساس رقابت بین کشورهای مهاجرپذیر برای جذب مهاجران با مهارت یا کشورهای مبدأ حجم عظیمی از سرمایه خارج گردد. لذا کشورهای توسعه یافته به دنبال جذب مهاجران کاری به خصوص نیروی کار ماهر برای ذخیره جمعیت و تقویت رشد اقتصادیشان در آینده هستند. (Li, 2008: p15)

تأثیر متناقض جهانی شدن اقتصاد بر مهاجرت به طور خلاصه همانطور که باعث نیاز به نیروی کار ماهر شده و مرزها را باز نموده اما باعث محدودیت های شدید برای غیرماهران شده است. این مسئله باعث بروز گرایش های مختلف در کشورهای مهاجرپذیر نیز شده است. از یکسو باعث بروز رقابت شدید بین این کشورها برای جذب مهاجران حرفه ای تر در کشورهای توسعه یافته شده و از سوی دیگر باعث شده تا کشورهای توسعه یافته دچار نگرانی های مشترک در اتخاذ سیاست های مشترک در مقابل موج مهاجران ناخواسته شوند. این مسئله سیاست گذاری مشترک در حوزه مهاجرت را دشوار نموده است.

از مسائل مهم دیگر تنوع فرهنگی و نژادی مهاجران کاری می باشد که معضلی بزرگ برای افراد از یک طرف و از طرف دیگر معضلی برای تصمیم گیری دولت ها در برخورد با این مهاجران محسوب می گردد. مهاجرت جهانی باعث ورود تنوع فرهنگی و نژادی به جوامع از لحاظ تاریخی همگن شده است. کانادا و استرالیا به علت رشد بالای مهاجران سیاست چندفرهنگ گرایی را در پاسخ به رشد تنوع فرهنگی و نژادی اتخاذ نموده اند. در کانادا از دهه ۱۹۷۰ حضور فزاینده اقلیت به شکل قابل توجهی مشهود است. در سال ۱۹۸۶، اعضای اقلیت قابل تمیز به ۶/۳ درصد از جمعیت کانادا رسید. این رقم در سال ۱۹۹۱ به ۹/۴ درصد و در سال ۲۰۰۱ به ۱۳/۴ درصد رسید. کشورهای مهاجرپذیر همچنین در واکنشهایشان به تنوع نژادی و کثرت گرایی فرهنگی متفاوت هستند. کانادا و استرالیا سیاست چندفرهنگ گرایی را برگزیده اند اما کشورهای نظیر آلمان و فرانسه تمایل حفاظت از فرهنگ عرفی و ملی خود دارند و بحث ایجاد تطبیق مهاجران با خود را مطرح می سازند. در رابطه با چالش سیاست گذاری در کشورهای مهاجرپذیر بین چندفرهنگ گرایی و حفظ

فرهنگ بومی و ملی اغلب کشورهای مهاجرپذیر ارزش مهاجرت را براساس موضوع سرمایه اجتماعی تعریف می‌کنند. (Li, -2008, p9-14)

نتیجه‌گیری

پیش‌بینی آینده مهاجران نیروی کار در عصر جهانی‌شدن کاری بسیار سخت است. رقابت برای مهاجران ماهر نیروی کار در بازار جهانی در حال افزایش است؛ اگرچه در گذشته مهاجرت کاری نیز مهم‌ترین نوع مهاجرت بوده است اما مدل‌های متفاوت و متنوع مهاجران نیروی کار امروزه باعث تغییراتی عظیم در کشورها می‌شود. این امر حتی در مواردی منجر به بروز مشکلات جهانی می‌شود چراکه تنوع و تغییر مهاجرت نیروی کار امروزه ناشی از جهانی‌شدن و تغییرات پیش آمده ناشی از آن است که می‌توان نقش دگرگونی‌های اقتصادی را پررنگ‌تر از بقیه دانست. در عصر جدید، جهانی‌شدن منجر به قطب‌بندی‌های آشکار اقتصادی و صنعتی شده است. در این میان قطب‌های توانمند اقتصادی و صنعتی مایل به بهره‌گیری از نیروی کاری ارزان‌تر و ماهرتر جهت سود بیشتر و هزینه کمتر هستند. در تحقق این امر بسیاری از عوامل با تجمیع در کنار هم باعث تسریع این فرآیند شده‌اند. این عوامل به سود کشورهای پیشرفته و صاحب تکنولوژی و به ضرر کشورهای در حال توسعه و منجر به خارج شدن نیروی کار از این کشورها می‌شود. عواملی مانند آزادسازی تجاری، سرمایه‌گذاری و مبادلات مالی یا تفاوت درآمدها، تفاوت درآمد سرانه مطرح می‌گردند. در این خصوص می‌توان کشورهای اروپایی صنعتی شده را مثال زد. کشورهای توسعه‌یافته باتوجه به در دست داشتن اکثر امکانات و مایحتاج لازم مقصد مهاجران نیروی کار می‌باشند و همین عوامل باعث توجیه مهاجرت مهاجران نیروی کار می‌باشد. با گذر زمان مهاجران نیروی کار ماهر تعداد بیشتری از آمار مهاجران نیروی کار را به خود اختصاص داده‌اند. از طرفی هم تقاضا برای این نوع مهاجر رو به افزایش است. جهانی‌شدن اقتصاد تأثیر دیگری در مهاجرت نیروی کار داشته است که آن جابه‌جایی مبداء و مقصد است مثلاً شمال به شمال یا جنوب به جنوب. البته باید بیان کرد که این نوع در مقابل مهاجرت از جنوب به شمال قابل مقایسه نیست. با این وجود موضوع مهاجرت موضوعی حساس در بسیاری از

کشورهای اروپایی است. از این رو چالش سیاست‌گذاران برای حفظ توازن بین منافع بلندمدت از طریق حفظ باثبات جریان مهاجران و تقاضای شهروندان مبنی بر ممانعت از ورود مهاجران گویای بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی است. کشورهای اروپایی از سویی به مهاجران کاری نیاز دارند و از سویی با سیل عظیمی از کارگران غیرماهر روبه‌رو هستند که برای این امر به اتخاذ سیاست‌گذاری‌های جدیدی پرداخته‌اند. برای مثال، برخی کشورهایی که سیاست‌های چندفرهنگ‌گرایی را پذیرفته‌اند در جذب نیروی کار ماهر موفق‌تر از دیگر کشورها هستند. از طرف دیگر در کشورهای در حال توسعه میزان خروجی-های اقتصادی و میزان شکاف اقتصادی میان این کشورها با کشورهای توسعه‌یافته در حال افزایش است. از همین رو است که پیش‌بینی شمار مهاجران نیروی کار در عصر جهانی‌سازی بسیار دشوار می‌باشد و بهترین راه‌حل برای مقابله با این امر کاهش شکاف اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته است.

آنچه که در دوران حاضر مسئله مهاجرت نیروی کار را پیچیده‌تر ساخته، پیوند جدی مهاجرت با مسئله تروریسم در عرصه بین‌المللی است. با گسترش اقدامات تروریستی در کشورهای مهاجرپذیر اروپایی که عمدتاً عوامل اصلی این اقدامات از مهاجران تحت تأثیر افکار تکفیری هستند، موضوع مهاجرت و چالش بین جذب نیروی کار مهاجر برای ادامه رشد اقتصادی یا ممانعت از ورود آنها برای حفظ نظم به موضوعی مهم تبدیل شده است. در حالی که با جهانی‌شدن سرمایه و تسهیل روند تردد در فضای فرامرزی شرایط برای افزایش مهاجران بهبود یافته، نگرانی‌های امنیتی ناشی از گسترش اقدامات تروریستی سبب ایجاد تردیدهای جدی در این مسئله به طور خاص و ایجاد تردیدهایی در مورد روندهای مهاجرت در عصر جهانی‌شدن به طور عام شده است.

آنچه در این رهگذر دارای اهمیت است نوع سیاست‌گذاری دستگاه‌های داخلی در حفظ نیروی کار متخصصی است که بر اثر همین تأثیرات جهانی‌شدن بر نیروی کار به سرعت در حال جذب در بازارهای کار دیگر کشورهاست. همچنین، با توجه به آثار اقدامات تروریستی بر تخریب فضای کاری برای نیروهای کار متخصص ایرانی در فراسوی مرزها، دستگاه دیپلماسی با همکاری سایر دستگاه‌ها می‌تواند اقدام به جذب این نیروی کار متخصص نماید که تأثیر قابل توجهی بر ورود فناوری و شیوه‌های جدید فنی و علمی بر ایران خواهد داشت.

منابع

فارسی

- آقازاده، سارا، مبارکی، حسین (۱۳۹۰)، جهانی شدن فناوری اطلاعات و چالش‌ها، اردبیل، دانشگاه آزاد واحد اردبیل.
- اکبریان، حجت و رخشان، شراره (۱۳۹۴)، اثر مهاجرت افراد متخصص (فرار مغزها) بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی مهاجرت، الگوها، پیامدها و سیاست‌ها. خندان، عباس (۱۳۹۴)، ایران در مسیر جهانی شدن اقتصاد، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۹۹.
- خور، مارتین (۱۳۸۳)، جهانی شدن و جنوب، ترجمه احمد ساعی، تهران: نشر قومس.
- تفرشی مطلق، لیلا (۱۳۸۸)، مطالعات پسااستعماری در ادبیات مهاجرت، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۰.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۴)، توسعه اقتصادی در جهان اسلام، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ اول، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- تارو، لستر (۱۳۸۳)، جهانی شدن، بخت با شجاعان یار است، ترجمه عزیز کیاوند، نشر فرا.
- دادگر، یداله و ندیری، محمد (۱۳۸۵)، جهانی شدن و بازار کار در کشورهای در حال توسعه، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره اول.
- ذکائی، محمدسعید (۱۳۸۵)، جوانان و جهانی شدن و مهاجرت‌های بین‌المللی، پژوهشی در میان نخبگان جوان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم شماره دوم.
- رنجکش، جواد (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات دومین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه.
- زرقانی، سیدهادی و موسوی، سیده‌زهرا (۱۳۹۱)، مهاجرت بین‌المللی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۶، شماره ۱، شماره مسلسل ۵۹.
- سجادپور، سیدمحمدکاظم (۱۳۸۴)، چارچوب مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین‌المللی: مورد ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۸.
- ساعی، احمد، سیفی، عبدالمجید (۱۳۹۰)، نیروی مهاجر در فراسوی مرزها: منازعه بر سر نظم و سود، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، شماره ۱۶.
- سیدزاده، سیامک (۱۳۸۵)، اثر جهانی شدن اقتصاد بر توسعه بخش کشاورزی: مورد محصولات دامی، پرتال جامع علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، توسعه و بهره‌وری، سال اول، شماره ۲.
- شیخ‌الاسلامی، مه‌زاد (۱۳۹۱)، بازسازی هویت در ادبیات مهاجرتی ایتالیا، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۱۷، شماره ۱.

صالحی عمرانی، ابراهیم (۱۳۸۵)، بررسی نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به علل مهاجرت نخبگان به خارج از کشور (مورد مطالعه دانشگاه مازندران)، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۲۸۰. علاءالدینی، پویا و امامی، یحیی (۱۳۸۴)، جهانی شدن، مهاجرت و فقر در ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۵، شماره ۱۸. علوی، سیدمحمود (۱۳۸۱)، تأثیر مهاجرت افغانه برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، کد: ۴۲۳۵۰. گر، تدرابرت (۱۳۷۷)، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی. میرمحمدی، داوود (۱۳۸۸)، جهانی شدن: ابعاد و رویکردها، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱. وثوقی، منصور و حجتی، مجید (۱۳۹۱)، مهاجرت بین‌الملل، مشارکت‌کنندگان در توسعه زادگاهی: مطالعه موردی شهر لار، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۴، شماره ۲. وحیدی، پریدخت (۱۳۶۴)، مهاجرت بین‌المللی و پیامدهای آن، تهران وزارت برنامه و بودجه مرکز مدارک اقتصادی اجتماعی.

انگلیسی

Crafts, Nicholas and Venables, Anthony (2001). *Globalization in History. A Geographical Perspective*, University of Chicago Press, p 323-369.

Kritz, M (2007), *International Migration*, In G.ritzer, the Black Well Encyclopedia Sociology, Volume 5, Oxford: Black Well Publishing.

Michael J, Piore (1979). *Birds of Passage: Migrant Labor and Industrial Societies* (New York: Cambridge University press), p: 527-529.

Peters, LI (2008), "World Migration in Age of Globalization Policy Implications and Challenges", *New Zealand Population Review* 33/34- 1-22

Saskia, Sassen (2005). *The Global City: Introducing a Concept*, *The Brown Journal of Word Affairs*, Volume Xi, Issue 2.

Stibli, Florin (2010), "Terrorism in the Context of Globalization", Vol: 9, no: 1p:1-7.

Tomlinson, J. (1999), "Globalization and Culture", Cambridge, Policy, p1-16.

United Nation, 2013, *International Migration Report*, Department of Economic and Social Affairs. Population Division, ST/ESA/SER.A/346/2013.

UN. (2009). *Human Development Report 2009. Overcoming Barriers: Human Mobility and Development*. UN Development Program: New York.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی